

## در باره درس های کمون

صفحه ۳

ولادیمیر ایلیچ لنین



۵۸۳

# مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-Communist Party of Iran - Hekmatist

۱ اسفند ۱۳۹۹ - ۱۹ فوریه ۲۰۲۱

اعلامیه حزب حکمتیست

تامین دستمزد و معیشت شایسته زندگی در

گرو اتحاد مبارزاتی کارگران است

## شعار و خواست خلع ید، واقعیات و تناقضات

صفحه ۵

سیاوش دانشور

## حلبجه، اسلام سیاسی، کردستان ایران

بنازم به حافظه این شهر

صفحه ۸

سیوان کریمی

اعلامیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

## نمایش محجبه کردن دختران در کردستان عراق!

اجتماعات سراسری و موفق بازنشستگان در تهران و شهرستانها برگزار شد!

اطلاعیه پایانی جلسه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

در رابطه با محکومیت روزنامه نگاران و فعالین مدنی

منطقه بادینان در اقلیم کردستان

سناریوی "شورای عالی کار" سرمایه داران به نام پروسه "تعیین حداقل دستمزد سالانه" در طول عمر ننگین جمهوری اسلامی، نه پروسه ای برای افزایش دستمزد کارگران و مزدگیران بلکه تلاشی برای کاهش مستمر دستمزدها بوده است. دستمزدهای اسمی ظاهرا هر سال درجه ای افزایش داشته است اما سقوط ارزش ریال و تورم لجام گسیخته، دستمزد واقعی و قدرت خرید کارگران و مزدگیران را مرتبا کاهش داده است. مضافا اینکه هیچوقت کارگران و نمایندگان واقعی شان بدلیل ممنوعیت و فقدان تشکلهای مستقل کارگری در پروسه تعیین حداقل دستمزد حضور نداشتند. نهاد موسوم به شورای عالی کار، متشکل از دولت و کارفرما است و حضور فرمایشی نمایندگان سازمانهای دست ساز حکومتی و ضد کارگری تحت عنوان "سه جانبه گرایی" بیانگر حضور کارگران در پروسه تعیین دستمزد نبوده و نیست. حتی اگر نمایندگان واقعی کارگران در این نهاد حضور داشتند، دولت و کارفرما دو رای در مقابل یک رای دارند. لذا طبقه کارگر و بخش پیشرو جنبش کارگری همواره این پروسه را محکوم و تصمیمات این مرجع دولتی-کارفرمایی را برسمیت نشناخته است. کارگران آگاه همواره اعلام کردند که تنها مرجع صاحب صلاحیت تعیین

صفحه ۲

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## تامین دستمزد و معیشت شایسته زندگی در گرو اتحاد مبارزاتی کارگران است ...

سازمانیافته، گسترده و سراسری حول این خواسته های عاجل را به دست بگیرند. با به میدان کشیدن پتانسیل بالقوه و عظیم جنبش سراسری میتوان عقب نشینی اساسی به دولت سرمایه اسلامی تحمیل کرد. هر نوع بهبود جدی در زندگی طبقه کارگر و ایجاد اتحادی سراسری و همگامی درگرو بدست گرفتن این حلقه های اساسی و سازماندهی جنبشی عظیم علیه فقر و فلاکت و گرانی و بیکاری و بیماری است.

حزب کمونیسیت کارگری ایران - حکمتیست، کارگران را به اعتراض گسترده و سراسری و مبرکانه منطبق با شرایط مبارزاتی امسال علیه دستمزد زیر خط فقر، برای تامین لوازم زندگی و معیشت، برای سلامت و دسترسی رایگان به خدمات پزشکی و دارو و درمان، برای واکسن رایگان و استاندارد برای کلیه ساکنین ایران فرامیخواند. اعتصابات و مبارزات کارگری مستمر کنونی و تجمعات اخیر سراسری بازنشستگان، پتانسیل این خواسته های برحق و پایه ای و گسترش مبارزه حول آنرا را نشان میدهد. تردیدی نیست برای تامین پیشروی و پیروزی این جنبش، باید سازمانها و تشکلهای توده ای چنین مبارزه ای را گسترش دهیم. ما کارگران را به برپائی مجامع عمومی و شوراها در مراکز کار فرامیخوانیم. هر جا و همه جا صدایمان را یکی کنیم، خواسته های واحد خود را اعلام و به جنبش واحد و سراسری برای تحقق آن بپیوندیم. بازنشستگان، بیکاران، معلمان، پرستاران، کارگران مراکز تولیدی و خدماتی، کلیه مزدبگیران می توانند و باید مانند تنی واحد حول این خواستها بمیدان بیاند. همگامی موثر رهبران و فعالین جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی رادیکال در این تلاش اهمیت حیاتی دارد.

حزب کمونیسیت کارگری ایران - حکمتیست

اول اسفند ۱۳۹۹ - ۱۹ فوریه ۲۰۲۱

**زندانیان سیاسی را آزاد کنید!**

**دستگیر شدگان کردستان را آزاد کنید!**

**کارگران در اعتراضات به مجمع**

**عمومی متکی شوید!**

**جنبش مجمع عمومی کارگری را**

**گسترش دهید!**

دستمزد، نمایندگان مستقیم و منتخب کارگران هستند و حداقل دستمزد سالانه باید تامین کننده لوازم زندگی و جوابگوی نیازهای خانواده کارگری براساس استانداردها و امکانات دنیای امروز باشد. براین اساس کارگران به حق و با انزجار هر ساله حداقل دستمزد تعیین شده توسط "شورای عالی کار" را قاطعانه مردود اعلام کرده اند.

در تداوم تحمیل فقر مستمر به طبقه کارگر، امسال کارفرمایان و دولت تهاجم جدیدی را سازمان داده اند. از طرح بحث تعیین "دستمزد منطقه ای" تا "تعیین پایه دستمزد براساس مجرد و متاهل" و "مزد توافقی"، همه تلاشهائی برای کاهش دستمزدها است. هدف "مزد توافقی" مورد نظر دولت روحانی، نپرداختن همان باصطلاح اضافه دستمزد اسمی مصوب شورای عالی کار و موقت کردن بیشتر قراردادهای کار است. این حربه های شناخته شده و رسوای سرمایه داران شورای عالی کار و مانورهای پوچ نمایندگان شوراهای اسلامی و خانه کارگر، با انزجار و اعتراض بحق کارگران روبرو شده است. واقعیت اینست پیشروان جنبش کارگری نه فقط تصمیمات شورای عالی کار را برسمیت نمی شناسند بلکه راسا با محاسبه نیازهای واقعی خانواده کارگری در شرایط حاضر، میزان حداقل دستمزد جوابگوی نیازهای امروز را اعلام کرده اند. از جمله کارگران نفت حداقل دستمزد را دوازده میلیون تومان اعلام و تاکید کردند هیچ کارگری نباید کمتر از ده میلیون مزد بگیرد. این نرخ دستمزد در جنبش کارگری و در جامعه با استقبال روبرو شده است. نهادهای مدافع حقوق کارگران و معلمان و بازنشستگان نیز طی بیانیه ای همین سطح دستمزد را اعلام کرده اند.

به این ترتیب کارگران نه فقط پیشاپیش به تصمیم ضد کارگری نهاد دولتی - کارفرمایی "شورای عالی کار" دست زدند، بلکه با طرح آلترناتیو خود برای افزایش دستمزد، به یک مبارزه واقعی برای افزایش دستمزدها فراخوان دادند و قطب نمای روشنی برای تامین یک زندگی شایسته انسان و پیگیری مبارزه هدفمند تا تحقق آن را ترسیم کردند.

**پیوستگی مبارزه علیه دستمزد زیر خط فقر با تامین معیشت و سلامت و واکسیناسیون برای همگان!**

امسال همزمان با مساله تعیین حداقل دستمزد و پیامدهای دهشتناک پاندمی کرونا، سوال تامین معیشت و سلامت و واکسیناسیون مسئله اکثریت عظیم جامعه است. خواست تامین معیشت و سلامت و واکسن رایگان و همگانی با استانداردهای معتبر جهانی، در اعتراضات بخشهای مختلف طبقه کارگر از جمله در تجمعات سراسری هفتم و بیست و ششم بهمن بازنشستگان با جدیت مطرح شده است. در شرایط ویژه امروز، مبارزه علیه دستمزد زیر خط فقر با مبارزه برای تامین معیشت و سلامت و واکسن رایگان و همگانی در هم تنیده است. توقع اینست جنبش کارگری و رهبران و فعالین رادیکال آن پرچم حرکت

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**

## در باره درس های کمون

ولادیمیر ایلیچ لنین

درسهای کمون

بعد از کودتا، که پایان انقلاب ۱۸۴۸ را نشان می داد، فرانسه برای یک دوره ۱۸ ساله تحت یوغ رژیم ناپلئونی قرار گرفت. این رژیم برای کشور نه فقط خرابی اقتصادی، بلکه خفت ملی به بار آورد. پرولتاریا در قیام علیه رژیم کهنه دو وظیفه را عهده دار شد: یکی از آن‌ها ملی و دیگری طبقاتی. آزادی فرانسه از تجاوز آلمان و رهایی اجتماعی کارگران از سرمایه‌داری. اتحاد این دو وظیفه، ویژگی منحصر به فرد کمون را تشکیل می‌دهد.

بورژوازی یک "دولت دفاع ملی" تشکیل داده بود و پرولتاریا مجبور بود برای استقلال ملی تحت رهبری آن نبرد کند. در واقع، آن یک دولت "خیانت ملی" بود که مأموریت خود را در جنگیدن با پرولتاریای پاریس می‌دید. ایده میهن پرستانه که ریشه در انقلاب کبیر قرن هجدهم داشت، بر اذهان سوسیالیست‌های کمون چیره شد؛ و بلانکی بدون تردید یک انقلابی و یک هوادار دواژنه سوسیالیسم، به عنوان مثال، هیچ عنوانی بهتر از فریاد بورژوازی برای روزنامه خود نمی‌دید: "کشور در خطر است!"

تلفیق وظایف متضاد وطن پرستی و سوسیالیسم، اشتباه مرگبار سوسیالیست‌های فرانسه بود. در خطابه انترناسیونال، منتشر شده در ۱۸۷۰، مارکس به پرولتاریای فرانسه علیه گمراه شدن به وسیله یک ایده ملی دروغین هشدار داده بود. با انقلاب کبیر، تضادهای طبقاتی حاد شده بودند، و در حالی که در آن زمان مبارزه علیه کل ارتجاع اروپایی کل ملت انقلابی را متحد می‌کرد، پرولتاریا دیگر نمی‌توانست منافع خود را با منافع دیگر طبقات متخاصم با خود تلفیق کند. بگذارید بورژوازی مسئولیت خفت ملی را بدوش بگیرد- وظیفه پرولتاریا نبرد برای رهایی اجتماعی کار از یوغ بورژوازی بود.

در واقع طولی نکشید که ماهیت حقیقی "وطن پرستی" بورژوازی خود را نشان داد. دولت ورسای که یک صلح خفت‌بار را با پروسی‌ها امضاء کرده بود به وظیفه فوری خود پرداخت. حمله کرد تا اسلحه‌هایی را که وی را به وحشت انداخته بودند، از دست پرولتاریای پاریس خارج کند.

با آنکه پرولتاریای سوسیالیست به جناح‌های گوناگون تقسیم شده بود، کمون نمونه شکوهمند یگانگی بود که پرولتاریا با آن قادر بود وظایف دمکراتیکی را که بورژوازی فقط اعلام می‌کند، انجام دهد. بدون هیچ قانون پیچیده خاص، به شیوه‌ای ساده و سرراست، پرولتاریا که قدرت را به دست گرفته بود، دمکراتیزه کردن نظام سیاسی را انجام داد، بورکراسی را برانداخت و تمام مناصب رسمی را انتخابی کرد.

اما دو اشتباه ثمرات پیروزی شکوهمند را نابود کردند. پرولتاریا در نیمه راه متوقف شد: به جای اقدام به "مصادره مصادره کنندگان"، به خود اجازه داد با رؤیاهای برقراری یک عدالت برتر در کشوری که با یک وظیفه ملی مشترک متحده شده بود به بیراهه برود. به عنوان مثال،



مؤسساتی مانند بانک‌ها مصادره نشدند، و تئوری‌های پرودونیستی در باره یک "مبادله عادلانه" و غیره، هنوز در میان سوسیالیست‌ها رایج بود. دومین اشتباه بزرگوری بیش از حد از طرف پرولتاریا بود: به جای نابود کردن دشمنانش در صدد برآمد تاثیر اخلاقی بر آن‌ها بگذارد.

پرولتاریا به اهمیت عملیات نظامی مستقیم در جنگ داخلی کم بها داد، و به جای شروع یک تهاجم قاطعانه علیه ورسای که می‌توانست پیروزی آن را در پاریس تأمین کند، تأخیر نمود و به دولت ورسای زمان داد تا نیروهای سپاه خود را گرد آورده و هفته خونین ماه مه را تدارک ببیند.

اما کمون علیرغم تمام اشتباهاتش، بزرگترین نمونه بزرگترین جنبش پرولتری قرن نوزدهم بود. مارکس ارزش بالایی برای اهمیت تاریخی کمون قایل شد. اگر، در جریان تلاش خانمانه باند ورسای برای گرفتن اسلحه‌های پرولتاریای پاریس، کارگران می‌گذاشتند بدون یک نبرد خلع سلاح شوند، تاثیر فاجعه بار باختن روحیه که این ضعف می‌توانست در جنبش پرولتری موجب شود، به مراتب بیش تر از زیان‌هایی می‌بود که طبقه کارگر در نبرد برای دفاع از اسلحه‌های خود متحمل شد. فداکاری‌های کمون، گرچه سنگین بود، با اهمیت آن برای مبارزه عمومی پرولتاریا جبران می‌شود: کمون جنبش سوسیالیستی را در سراسر اروپا به حرکت درآورد، نیروی جنگ داخلی را نشان داد، توهمات وطن پرستانه را باطل کرد، و باور ساده لوحانه به تلاش‌های بورژوازی برای اهداف ملی مشترک را نابود کرد. کمون به پرولتاریای اروپایی به طور مشخص وظایف انقلاب سوسیالیستی را نشان داد.

درس‌هایی که پرولتاریا آموخت هرگز فراموش نخواهند شد. طبقه کارگر از آن‌ها استفاده خواهد کرد، همان‌طور که تاکنون در روسیه در جریان قیام دسامبر استفاده کرده است.

دوره قبل از انقلاب روسیه و تدارک آن شباهت مشخصی به دوره یوغ ناپلئونی در فرانسه دارد. در روسیه، نیز، گروه استبدادی ویرانی اقتصادی و خفت ملی به سر کشور آورده بود. اما شروع انقلاب برای یک مدت طولانی به تأخیر افتاد، چون که رشد اجتماعی هنوز شرایط برای یک جنبش توده ای را به وجود نیاورده بود، با وجود تمام شجاعتی که به نمایش گذاشته شد، اقدامات پراکنده علیه دولت در دوره ماقبل انقلاب در مقابل بی‌تفاوتی توده‌ها شکست خورد. تنها سوسیال دمکرات‌ها، با کار طاقت‌فرسا و سیستماتیک، توده‌ها را به سطح اشکال بالاتر مبارزه- اقدامات توده‌ای و جنگ داخلی مسلحانه- آموزش دادند.

سوسیال دمکرات‌ها توانستند توهمات "مشترک ملی" و "وطن پرستانه" پرولتاریای جوان را درهم شکنند و بعداً، موقعی که مانیفست هفدهم اکتبر در نتیجه مداخله مستقیم آن‌ها از تزار گرفته شد، پرولتاریا تدارک پرتوان برای فاز اجتناب ناپذیر بعدی انقلاب- قیام مسلحانه- را آغاز کرد. پرولتاریا با کنار انداختن توهمات "مشترک ملی" نیروهای طبقاتی خود را بر سازمان‌های توده‌ای خویش- بر شوراهای کارگران و نمایندگان سربازان و غیره- متمرکز کرد. و باوجود تمام تفاوت‌ها در اهداف و وظایف انقلاب روسیه، در مقایسه با انقلاب ۱۸۷۱ فرانسه، پرولتاریای روسیه مجبور بود به همان شیوه مبارزه که



## در باره درس های کمون ...

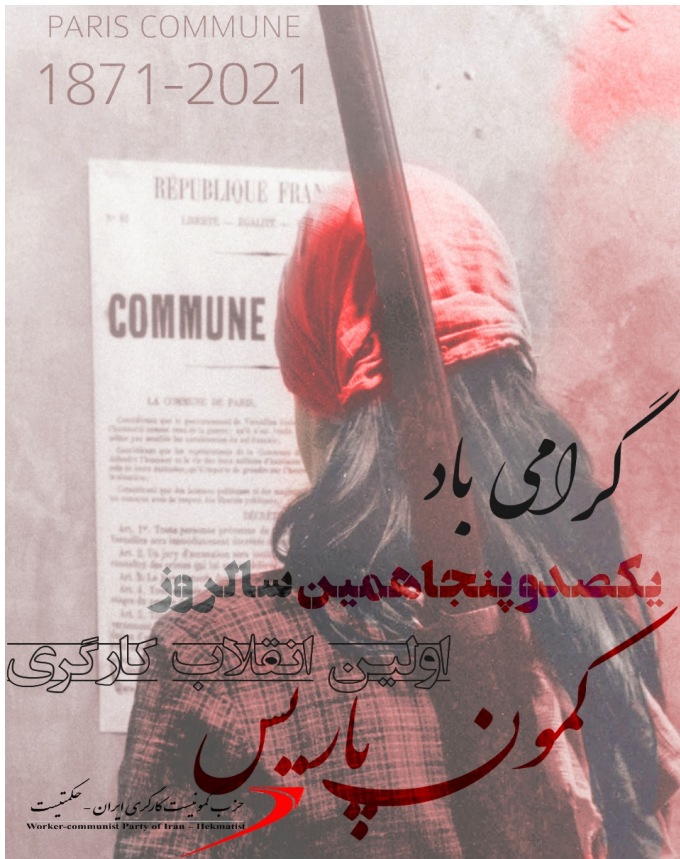
ابتدا در کمون پاریس به کار گرفته شد- جنگ داخلی- متوسل شود. با خیر از درس های کمون، می دانست که پرولتاریا نباید شیوه های مسالمت آمیز مبارزه را نادیده بگیرد- آن ها به منافع معمولی، روزمره آن خدمت می کنند، آن ها در دوره های تدارک انقلاب ضروری اند- اما پرولتاریا هرگز نباید فراموش کند که در شرایط مشخصی از مبارزه طبقاتی شکل درگیری مسلحانه و جنگ داخلی به خود می گیرد؛ این ها زمان هایی است که منافع پرولتاریا نابودی بیرحمانه دشمنان آن را در برخورد های مسلحانه علنی می طلبد. این اول بار توسط پرولتاریای فرانسه در کمون به نمایش گذاشته شد و پرولتاریای روسیه به طور درخشان در قیام دسامبر تأیید نمود.

و گرچه این قیام های با شکوه طبقه کارگر درهم شکسته شدند، قیام دیگری خواهد بود، که نیروهای دشمنان پرولتاریا در مصاف با آن بی اثر خواهند بود، و پرولتاریای سوسیالیست از آن کاملاً پیروز بیرون خواهد آمد.

توضیحات:

۱- مقاله "درس های کمون" در "زاگرانیچنایا گازتا" (روزنامه خارجی)، شماره ۲، ۲۳ مارس ۱۹۰۸ گزارش کلمه به کلمه از یک سخنرانی لنین است. تحریریه روزنامه مقاله را با یادداشت زیر معرفی کرد: "یک نشست بین المللی در ۱۸ مارس در ژنو برای بزرگداشت سه سالگرد پرولتری برگزار شد: بیست و پنجمین سالگرد مرگ مارکس، شصتمین سالگرد انقلاب مارس ۱۸۴۸ و سالگرد کمون پاریس. رفیق لنین به نمایندگی از حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه در آن نشست پیرامون اهمیت کمون سخنرانی کرد." زاگرانیچنایا گازتا- روزنامه ای که از طرف گروهی از مهاجران روسی در ژنو در مارس- آوریل ۱۹۰۸ منتشر شد.

۲- نگاه کنید به ک. مارکس و ف. انگلس، آثار منتخب، جلد ۱، ۱۹۵۸، ص.



۴۹۷.

۳- برای ارزیابی مارکس از نقش تاریخی کمون پاریس، به مثابه پیشقراول یک جامعه تراز نوین، نگاه کنید به "جنگ داخلی در فرانسه" (ک. مارکس و ف. انگلس، منتخب آثار، جلد ۱، ۱۹۵۸، صفحات ۴۷۳-۵۴۵) و "نامه ها به کوکلمان برای ۱۲ و ۱۷ آوریل" (ک. مارکس و ف. انگلس، منتخب نامه ها، مسکو، صفحات ۳۲۰-۳۱۸).

۴- این به مانیفست هفدهم اکتبر ۱۹۰۵ اشاره دارد که در آن تزار، ترسیده از انقلاب، به مردم آزادی های مدنی و قانون اساسی وعده داد.

### پیام تسلیت به مناسبت درگذشت نازنین برومند!



با تاسف فراوان اطلاع یافتیم که امروز رفیق نازنین برومند عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران بعد از دوره ای بیماری درگذشت. ما درگذشت رفیق نازنین برومند را به رفیق حمید تقوایی و دیگر اعضای خانواده و رفقای در حزب کمونیست کارگری ایران صمیمانه تسلیت میگوییم. یاد نازنین عزیز گرامی باد!

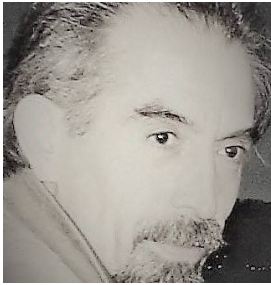
دفتر مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۱۷ فوریه ۲۰۲۱

## شعار و خواست خلع ید،

## واقعیات و تناقضات

سیاوش دانشور



تلقى اش از کارگر و مبارزه کارگری نمی گنجد. وی میخواهد واقعیت بیرونی را براساس ذهنیت خویش آرایش دهد و یا انتظارش از یک جنبش واقعی با مشخصات کنکرت برآورده کردن چهارچوبهایی است که او از مبارزه کارگری بطور کلی جستجو میکند. رهبر کارگری اما واقعیت موجود را با تمام محدودیتهایش برسمیت می شناسد،

شناخت دقیق واقعیت و سطح مبارزه کارگران نقطه شروع پراتیکش است، تلاش دارد آنرا ارتقا دهد و واقعیت موجود را گامی بنفع کارگران جلو براند. وانگهی سوال این نیست که ماهیت اقتشار مختلف سرمایه یکی است، این بدیهیت چیزی به آگاهی و وحدت کارگر اضافه نمی کند. مسئله برسر مسئولیت دولت است که ظاهرا برای منتقدین علی السویه است. کسی میتواند از موضع آنارشیستی بگوید دولت "شر مطلق" است و مبارزه برای تحمیل هر خواستی به دولت را انحراف درخود بنامد. اما باز هم واقعیت بیرونی پدیده دیگری است. هر دولتی با تمام ارتجاعی بودنش، مادام که دولت است و اسم دولت را برخود دارد، سطوح مختلفی از مسئولیت دارد؛ از تامین سرمایه و نیازهای تکنولوژیکی و فنی کارخانه تا مسائل متنوع مربوط به پروسه تولید و کار و استخدام و قراردادهای و همان حقوق محقری که ناچار شده روی کاغذ برسمیت بشناسد.

وقتی دولت شرکتی را واگذار می کند، زیر همه مسئولیتهایش میزند و بخش موسوم به خصوصی که قرار است "چاپک و سودآور" باشد، بطریق اولی زیر همه چیز و کل دستاوردهای نسلها از کارگران میزند. نتیجه بلافصل اینست که بیکارسازی، تغییر کاربری شرکت، تغییر قراردادهای، نپرداختن بیمه و مزایا، ناامن تر شدن محیط کار و لیستی از مصائب را برسر کارگران نازل میکند. مضافا مالکین جدید بیشتر کارخانه را اوراق و طی مدت کوتاهی یک شرکت معین را زیر بار قرض و تاراج زمینگیر میکند. در این پروسه، دولت مسئولیتی ندارد و آنچه را که تحت عنوان فرمال "شرط واگذاری و بعد از واگذاری" نام میگذارد، انجام نمیدهد. نتیجه اینست که آوار این روند روی سر کارگر می ریزد و در بهترین حالت اگر شرکت را به تعطیلی نکشاند، خود را در شکل بیکارسازی، کاهش دستمزدها، تغییر قراردادهای و از دست رفتن دستاوردهای قبلی کارگران نشان میدهد. یک تفاوت دیگر اینست که فساد مدیران دولتی نهایتا دولت را بدهکار میکند و نه شرکت را. در بخش خصوصی مسئله برعکس است، کارگر برای حفظ شرکت و بیکار نشدن باید تن به هر ذلتی بدهد چون شرکت مقروض و ورشکسته است، چون توقعات کارگر باید با اوضاع اقتصادی شرکت "تناسب" داشته باشد و آنچه میشود که تاکنون دیده ایم.

در ایران دولت یک سرمایه دار بزرگ است و سیاست خصوصی سازی و واگذاری ها حتی همان پروسه دهشتناکی که در دیگر کشورها پیش رفته را منعکس نمی کند، بلکه روند جاری ماراقت تاراج ثروتهاى جامعه میان الیت دولتی و نظامی و خصوصی و رانت خواران و

شعار و خواست خلع ید از بخش خصوصی در هفت تپه از زوایای مختلف مورد بحث و مجادله است. نفس اینکه یک مبارزه کارگری و لحظات و شعارهایش مورد توجه فعالین و دوستان جنبش کارگری قرار می گیرد و با حرارت در مورد آن سخن میگویند جای خشنودی است. ما در اینجا وارد برخی اظهارنظرها که اهداف دیگری دارد و نقطه عزیمت شان محاسبات و منافی حاشیه ای است نمی شویم. بگذارید تیتروار برخی ادعاها و سوالات را در بهترین فرم آن مرور کنیم:

### دوگانه دولتی - خصوصی

میگویند شعار خلع ید از بخش خصوصی توهم به مالکیت دولتی یا دستکم تطهیر آنست. براین اساس استدلال می کنند که در دوران دولتی بودن این شرکتها، از هفت تپه تا هیکو و شرکتهای دیگر، اوضاع کارگران بهتر نبوده و بعضا ادعا میکنند بدتر هم بوده است.

اگر نخواهیم از موضع "دانشمندان بحرالعلوم" برای "کارگران بیسواد" در باره عدم تفاوت و ماهیت اقتصاد مبتنی بر مالکیت دولتی و اقتصاد مبتنی بر مالکیت خصوصی روشنگری کنیم، حقیقت اینست که هیچ جا و از زبان هیچ رهبر عملی جدی مبارزه کارگران این ادعا شنیده نشده است که شعار و خواست دولتی کردن، حتی بدون پیشوند و پسوند، دفاع از مالکیت دولتی است. بحث مطلقا برسر درک آبستراکت و تئوریک از مالکیت سرمایه دارانه بطور کلی نیست. بحث بر سر مطلوبیت استراتژیک مالکیت سرمایه داران بخش دولتی به سرمایه داران بخش خصوصی نیست. غلتاندن این بحث که گویا کارگر معترض و خواهان برچیدن بخش خصوصی در سنگر سرمایه دولتی شمشیر می زند، اگر مغرضانه نباشد، دست کم گرفتن رهبران کارگری و تحریف مبارزه آنهاست. شاید نهادهای وابسته به این و آن سرمایه دار و یا نسل جدید حزب الهی های تازه "طرفدار کارگر" شده و خواهان "بخش خصوصی خوب و اصیل" چنین حرفی بزنند و می زنند. اینها ابواب جمعی حکومتی ها هستند و در زمین جنگ جناحی بازی می کنند.

واقعیت اینست که این نوع استدلال تنها انعکاس ذهنیت مجرد کسانی است که بزعم آنان کارگران و رهبران این حرکت فاقد این تشخیص هستند و یا احيانا به بازیچه بخشی از سرمایه داران علیه بخشی دیگر تبدیل شده اند. کارگری که دارد علیه سرمایه دار و سرمایه داری حرف میزند در این توهمات شریک نیست، برعکس، وی در شرایط و تناسب قوایی مشخص با تدوین خط مشی تاکتیکی معینی برای اهداف مشخص و معلومی مبارزه می کند. به نظر من کارگر هفت تپه و هیکو تناقض ندارد، تناقض در ذهنیتی است که اساسا این مقوله در سیستم تحلیلی و

## شعار و خواست خلع ید، واقعیات و تناقضات ...

هزار فامیل دایره قدرت سیاسی است. از موضع منافع آتی و آتی کارگر، تفاوت و تأثیر این روند روشن و بلافصل است. برای کسی که از دور مسائل را تجزیه و تحلیل میکند، البته "تفاوتی ندارد"، البته "سرمایه سرمایه است و نباید توهم داشت!"

### جهانی سازی و دترمینیسیم اقتصادی

میگویند خصوصی سازی و "نئولیبرالیسم" خصوصیت سرمایه داری امروز است، روندی جهانی است، سیاست اساسی جمهوری اسلامی است، طرح لغو خصوصی سازی یک توهم و یک ناممکن است.

جوهر این بحث ابداً تازگی ندارد. روند جهانی شدن سرمایه از مانیفست کمونیسیت طرح شده است. سرمایه بیوقفه چه با اتکا به جنگ و تقسیم حوزه های نفوذ و فتح بازارهای کار و کالا، چه با صدور سرمایه و بویژه با تحولات تکنولوژیک به دورافتاده ترین اکناف جهان رسوخ کرده است. تولید سرمایه داری مدتهاست که پروسه ای جهانی است و در تولید یک کالای معین کارگران دهها کشور جهان شریک هستند. مناسبات سرمایه داری با تقسیم کار و چهارچوبها و قوانین مختلف مرتباً این روند را تشدید کرده است. آنچه که امروز گلوبالیسم و جهانی شدن اطلاق میشود، تنها شکلی تکامل یافته تر از یک روند لاینقطع جهانی شدن سرمایه است. تردیدی نیست سرمایه داری در قرن بیستم با تحولات تعیین کننده روبرو بوده است و تا به بحث ما مربوط است، دستکم از دهه هشتاد تا به امروز بویژه با تحولات جهانی و سقوط بلوک شرق و از نفس افتادن سوسیال دمکراسی و دولتهای رفاه، رژیم انباشت و مدل رشد دیگری را طی کرده است. همینطور تحولات تکنولوژیک تغییرات اساسی در سازمان کار در مقیاس جهانی بوجود آورده و کارگر زیر فشار یک تعرض مستمر سرمایه برای پس دادن هرآنچه بوده که با اتکا به انقلابات و مبارزات قهرمانانه بدست آورده بود.

اما برای کارگران کمونیسیت و مارکسیست ها و انقلابیون، هیچ زمان این روندها امری لایتغیر نبوده است. من این تلقی خشک و دترمینیسیم اقتصادی از روند جهانی شدن سرمایه را درک نمیکنم. اینکه روند جاری اقتصاد سرمایه داری امری جهانی است و یا خصوصی سازی سیاست اساسی جمهوری اسلامی است، مجوز تسلیم کارگر به آن نیست. چه کسی گفته که سرمایه هرچه بخواهد همان است و کارگر باید بپذیرد؟ بله، اگر مقاومتی در مقابل هر تهاجم سرمایه صورت نگیرد، دولتها و سرمایه داران می تازند و حتی ما را بدوران بردگان عتیق برمیگردانند. کسانی که در مقابل شعار خلع ید و مقابله با خصوصی سازی، فورا از الغای مالکیت سرمایه دارانه و اعمال کنترل کارگری در تناسب قوای غیر ممکن حرف میزنند، چرا توصیه شان را در مقابل روند جهانی شدن و سیاست اصلی جمهوری اسلامی نمی بینند؟ کسانی که میگویند این سیاست را جمهوری اسلامی اگر بپذیرد بقیه هم سرش میریزند و

بنابراین نمی پذیرد، چرا باید تشکل کارگری و کنترل کارگری را بپذیرد؟ کسانی که میگویند سرمایه سرمایه است، دولتی و خصوصی ندارد، جز این است که کارگران را به تسلیم در مقابل واقعیت لایتغیر سرمایه با ژستی رادیکال دعوت میکنند؟ اگر تعرض کارگر به پس گرفتن حداقل دستاوردهایش ممکن نیست، چرا باید افزایش دستمزد پنج برابر و ایجاد تشکل و انقلاب علیه سرمایه ممکن باشد؟ آیا در پس این رادیکال نمائی و ذهنیت کلیشه ای نوعی پاسیفیسیم مزمّن لانه نکرده است؟

با این استدلال بازپس گیری تعدادی از شرکتهای واگذار شده از کشت و صنعت مغان تا پالایشگاه کرمانشاه و کشمکش در هپکو و آذرب را چگونه باید توضیح داد؟ چطور سیاست جهانی و سیاست اساسی جمهوری اسلامی لغو شد؟ اگر از گفتن بدیهیات در باره سیمای اقتصاد سرمایه داری امروز بگذریم، در بسیاری از کشورها از جمله در ایران، آنجا که کارگر زور دارد و میتواند اعمال فشار کند، روندی را متوقف یا دستکم به عقب می اندازد. بلاتکلیفی لایحه های مختلف در فرانسه و ایتالیا و بسیاری کشورها برسر بازنشستگی و استخدام و قراردادهای و یا تقابل با سیاستهای ریاضت اقتصادی، صرفاً تابعی از حضور کارگر در صحنه سیاسی بوده است نه میل سرمایه دار و روند جهانی. در ایران هم مسئله همین است با این تفاوت که ایران وضعیت سیاسی نامعلوم و متشنجی دارد که هر کشمکش طولانی برسر هر موضوعی میتواند پتانسیل های فراتر از خود سوال را داشته باشد. عقب نشینی دولت در واگذاری یک شرکت، نه یک عقب نشینی از سیاستهای مصوب و روند جاری اقتصادی بلکه محاسبه ای سیاسی برای کنترل و مدیریت اوضاع و جلوگیری از بروز جرم انفجاری این اعتراضات در جامعه است. گفتن اینکه این سیاست اساسی جمهوری اسلامی است، بسیاری واقعیات را یا نادیده میگیرد و یا وقتی به کارگر میرسد، چهارچوبهای تحلیلی اش دچار تناقض می شود، شاید به این دلیل که کارگران را فاقد چنین پتانسیلی میداند.

### کارگران شکست میخورند!

می گویند تاکتیک و سیاست خلع ید از بخش خصوصی نادرست و توهم زا است و کارگران در این مبارزه شکست میخورند. میگویند اگر تاکتیکی پیروزی اش مسجل نباشد نباید طرح شود.

من می پرسم در دویست سال گذشته چه تعداد از مبارزات و اعتصابات و قهرمانی های طبقه ما در چهار گوشه جهان پیروز شده اند؟ بسیاری از نبردهای طبقه ما از کمون پاریس تا انقلابات قرن نوزدهم اروپا، از انقلاب اکتبر تا حرکتهای اساسی در طول قرن بیستم، بخون کشیده شده و نهایتاً شکست خورده اند. حتی آنجا که سنگرهای مهمی را فتح کردیم و قدرت را از دست شان درآوریم، آنجا که اراده و قدرت مان را برای یکدوره معین تحمیل کرده ایم، نهایتاً با سازشی با طبقه کارگر مواجهه شدیم و بدلیل محدودیتهای عمل تاریخی مان به نتیجه نهائی نرسیده ایم. آیا پیروزی کمونیسیم امری اجتناب ناپذیر است؟ آیا پیروزی هر جنبش و حرکت آوانگارد و خلاف جریان امری مسلم است؟ آیا پیروزی هر اعتصاب کارگری از ابتدا بر پیشانی آن حک شده است؟ واضح است هر عقل سلیمی میگوید نه! روشن است هر مبارز راه تغییرات بنیادی، پیروزی را بدون تامین ملزوماتی تعیین کننده و اقداماتی

## شعار و خواست خلع ید، واقعیات و تناقضات ...

آن تن دهد و کارگران نیز قبول نمی کنند. این کشمکش بدو کارگر را بعنوان یک فاکتور مهم در قلمرو سیاست آنهم در جامعه ای متحول جلو صحنه رانده است و مبنائی برای وحدت و همصدائی اش شده است. کسانی که این وضعیت کنکرت را نمی بینند و از ذهنیت مجرد و بدون دغدغه کارگر به آن برخورد می کنند، حتی از نظر تئوریک صرف هم برحق نیستند. برای این طیف منتقدین این روند متناقض است اما این تناقض ایشان است نه تناقض واقعیت کشمکش طبقاتی. مبارزه طبقاتی زنده و جاری و کنکرت است و پیشروی آن نیز تابعی از درک مجموعه اوضاع و تکیه بر منفعت آتی و آتی طبقه و بمیدان کشیدن نیرو برای هر لحظه آنست. کسانی که فکر میکنند کارگران در پس راندن بخش خصوصی در ایستگاه دولت لم می دهند و در توهم کرامات دولت بعنوان بزرگترین سرمایه دار غرق می شوند، نه شرایط سیاسی و نه جایگاه این مبارزات در جلو راندن کل طبقه و نه نقش اساسی آنرا در سیاست سراسری بدرستی درک نمی کنند. تشکل و اتحاد کارگر نیز تنها از این مسیر ممکن است، کسب دستمزدهای بهتر و ایمنی شغلی و مقابله با بیکارسازی نیز همینطور. مقابله با خصوصی سازی و متعلقات آن حلقه ای است که طبقه را بسیج و متحد میکند و در راس مبارزه و کشمکش اجتماعی قرار میدهد. امری که برای یک تاکتیسین جنبش کارگری حیاتی است و برای ذهنیت مجرد یک منتقد که منفعتی بلافصل در این پروسه ندارد متناقض.

### کنترل کارگری، نظارت کارگری

در این زمینه باید جداگانه نوشت. اینجا همین قدر لازم است که شرایط و تناسب قوای کنترل کارگری هنوز وجود ندارد. طرح این موضوع کاملاً ذهنی است و تاکتیکی برای عمل بلافصل نیست. اعمال نظارت کارگری توسط شورای کارخانه اما هم عملی و هم ممکن است. هیچ چیز طبیعی تر و موجه تر از آن نیست که کارگران بر شرایط کارشان در سطوح مختلف نظارت داشته باشند. دامنه این مسئله را نیز پیروزی در مسیر کنونی تعیین میکند. نظارت کارگری سطحی معین از سیاست کنترل کارگری است.

۱۸ فوریه ۲۰۲۱

سر وقت و بدون توهم ممکن نمی داند. بدیهی است که حتی پیروزی بر حکومت سرمایه در یک جغرافیای معین و کسب قدرت تا تثبیت و پیروزی نهائی راهی پر پیچ و خم است و تابع پاسخ به بسیاری از سوالات تعیین کننده و خنثی کردن بسیاری موانع پیش رو است. کمونیست ها مانند خشکه مقدسهای مذهبی وعده بهشت برین نمی دهند. کارگران قول نداده اند که هر تلاش شان به نتیجه میرسد. هیچ مبارزه ای از پیش پیروزی اش مسجل نیست. با اینحال کسی به این دلیل که ممکن است به نتیجه دلخواه نرسد دست از تلاش برنداشته است و هیچ جامعه ای بدون مقاومت تسلیم نشده است. طبقه ما ناچار است روی دوش تجارب تاریخی و تبیین وضعیت کنونی و مشخصات سرمایه داری امروز با چنگ و دندان جلو برود و راهش را پیدا کند. ما یاد گرفته ایم بارها زمین بخوریم و بلند شویم و هر بار نیروی تازه ای بگیریم. مبارزه کارگری و جدال طبقاتی صرفاً در قلمرو افکار و آرا نیست، در جبهه های متعددی بر سر سوالات ریز و درشتی در جریان است. تمام مسئله بر سر این است که هر تاکتیک و سیاست کارگری، اولاً تا چه اندازه قابلیت و پتانسیل این را دارد که کارگران را متحد کند و متحد بمیدان بیاورد، و ثانیاً پیشروی در آن کارگر را در فردای پیروزی در چه شرایط جدیدی قرار میدهد. شکست و پیروزی، هر دو، ممکن و محتمل است.

### خط مشی تاکتیکی و شرایط سیاسی

مبارزه طبقاتی بطور کلی و مبارزه کارگری بطور مشخص، در خلأ سیر نمی کند بلکه تابع مجموعه شرایط و اوضاع و احوال است. هیچ نوع کلیشه پردازی و هیچ نوع تعمیم نابجای شرایط های مختلف به وضعیت کنکرت در اتخاذ خط مشی تاکتیکی نمیتواند جوابگو باشد. در ایران مبارزه با خصوصی سازی با مبارزات مشابه در کشورهای که ثبات نسبی سیاسی دارند تفاوت ماهوی دارد. جمهوری اسلامی امروز و فردایش معلوم نیست، جهت و محتوای اساسی سیاست اقتصادی جمهوری اسلامی بقای حکومت است. ما با حکومتی که دچار بحران حادی نیست و زندگی اش را میکند روبرو نیستیم. کارگران هم چنین توهمی ندارند که اوضاعشان در این حکومت بهبود پیدا می کند. امروز مبارزه با خصوصی سازی و تبعات آن اعم از شرکتهای پیمانی و مناطق ویژه اقتصادی و قراردادهای کار امری همگانی شده است. از کارگر نفت و گاز و پتروشیمی تا معادن و کشت و صنعت ها و بسیاری از شرکتهای و بخش درمان و آموزش با درد مشترکی مواجه هستند. طبقه کارگر ایران با روند بازاری کردن و مالی سازی و ناامنی ناشی از آن درافتاده است و خواهان نفی قراردادهای موقت و پیمانی و شرکتهای، انعقاد قراردادهای دستجمعی و استخدام رسمی با مزایای مربوطه، جمع کردن شرکتهای واسطه و زالوصفت پیمانی، نفی روند تقسیم ثروت جامعه بین مشتئی طفیلی حکومتی و نزدیک به حکومت تحت عنوان خصوصی سازی است. این روند تقابل سراسری و روزمره حاصل یک شرایط ناامن است و کارگر ناچار است در مقابل آن بایستد.

این یک کشمکش وسیع است که جمهوری اسلامی حاضر نیست تماماً به

**جهان بدون فراخوان سوسیالیسم،**

**بدون امید سوسیالیسم،**

**بدون «خطر» سوسیالیسم،**

**به چه منجلابی تبدیل میشود!**

**منصور حکمت**



خامنه‌ای هم پیش می‌روند.



پس از سالهای اول بعد از قیام ۵۷، زمینه رشد اسلام گرایان سنی با تغذیه از سلفی‌ها و اخوان‌المسلمین کردستان عراق که بعضا از خود رژیم و بعضا از عربستان تغذیه می‌شدند، با چراغ سبز خود رژیم همراه شد. امروزه مکانهای تجمع این اسلامی‌ها که به واقع خطری برای جامعه هستند، نه تنها برای رژیم بلکه برای مردم هم رو شده است. مردم آنها را می‌شناسند و با روشنگری نیروهای چپ و کمونیست فعال در جامعه کردستان و ایران چهره واقعی آنها نمایان است.

### اما این تمام ماجرا نیست

کردستان عراق، میدان تاخت‌وتاز اسلامی‌ها است. این برای همه روشن است. اما مساله زمانی حاد می‌شود و اهمیت پیدا می‌کند که احزاب اپوزیسیون مستقر در این منطقه، به نوعی تحت تأثیر سیاستهای احزاب حاکم قرار گرفته‌اند. این میدان دادن در سالهای گذشته با دعوت و پذیرش حزب خبات در جمع خودمانی شان بود. کار به جایی رسید که برای سخنگوی خبات شدن، سر و دست می‌شکستند. در یکی دو سال اخیر، احزاب ناسیونالیست کردستان ایران، عملا و با صدایی رسا از احمد مفتی‌زاده دفاع می‌کنند و حتی برخورد رفقای که در تیر ۵۸ در دفاع از خود مجبور به درگیری مسلحانه با مکتب قرآنی‌ها شدند را نکوهش می‌کنند.

آینده‌ای که این نیروها برای کردستان ایران متصور هستند، از نگاه عینک امروز حکومت اقلیم کردستان می‌گذرد. عین این سیستم را برای کردستان ایران در سر می‌پروراند و لابد سیاستشان را با چانه زنی با پهلوی‌ها برای گرفتن "حق کردها" تعریف و به پیش می‌برند. همان کاری که امروز پارتی، اتحادیه میهنی، تغییر و جریان نسل جدید به همراه اسلامی‌ها هر لحظه انجام می‌دهند.

این سیستم یعنی میدان دادن به اسلامی‌ها و برقراری احکام اسلامی در جامعه، یعنی اساننامه خبات و مکتب قرآن، قانون جامعه شود. این یعنی به خاطر قدرت، جامعه را به عقب برد. پاسخ اعتراض به این موضوع هم در دستان خالد عزیزی بود که گفت، "کرد توسط کرد اعدام شود".

### بنام به حافظه این شهر

دو سال قبل و در روزهای جانباختن شریف باجور و رفقاییش، شهر مریوان دوباره سرخپوش شد و مراسم خاکسپاری این عزیزان، تصویر کوچ تاریخی مریوان را دوباره زنده کرد. تصاویری که بارها در شبکه‌های اجتماعی بازپخش شد. دشمن اصلی مردم جمهوری اسلامی است. در این شکی وجود ندارد. اما در کنار این، مردم باید مخاطرات پیش رو را هم بشناسند. باید بدانند که چه سرنوشتی در انتظار آنهاست. آیا دوباره کردن تجربه کردستان عراق، زیر سایه احزاب ناسیونالیست و اسلامی‌هایی همچون خبات تکرار دراماتیک تاریخ نخواهد بود؟ اگر این چنین است باید منتظر یادبود قیاده موقت هایی بود که در دفاع از رژیم اسلامی علیه کمونیستها اسلحه بدست گرفتند. کردستان جایی برای این سیاستها نیست.

فوریه ۲۰۲۱

## حلبچه، اسلام سیاسی، کردستان ایران

### بنام به حافظه این شهر

#### سیوان گرمی

در دنیای سیاست، زمان و مکان اهمیت زیادی دارند. شاید تعریفی قابل قبول برای همگان این باشد که سیاست یعنی انجام کاری در زمان و مکان مشخص.

جمهوری اسلامی هر سال سعی می‌کند تا مضحکه‌هایی را حول و حوش سالروز قیام ۵۷ برپا کند. هر جا که می‌رسد، هر جا که توان دارد، مضحکه‌ای براه می‌اندازد. لبنان، بغداد، لندن و حالا حلبچه. این آخری متفاوت است. حلبچه هم برای رژیم اسلامی و هم برای مخالفین رژیم اسلامی معنی خاص خود را دارد. سی سال حکومت کردستان عراق را زیر چتر خود گرفت، از اربیل و سلیمانیه شروع کرد. امروز به تعداد قهوه‌خانه‌های سلیمانیه و اربیل، مراکز وابسته به جمهوری اسلامی فعال هستند. هر ترفندی که لازم بود، به این دست به سینه های خود آموخت، دلارهای نفتی را به کیسه اسلامپون ریخت و کاری کرد که قانون و اساننامه این بخش از عراق کاملا و همسو با منافع جمهوری اسلامی نوشته و اجرا می‌شود. اسلام سیاسی، که این روزها در ایران زیر پای مردم معترض به خاک کشیده می‌شود، در کردستان عراق میداناری می‌کند. ساخت هزاران مسجد و تکیه و حسینیه در این جغرافیا، نشان از آن دارد که در بر پاشنه جمهوری اسلامی می‌گردد. مراسم هائی که برای قاسم سلیمانی در کردستان عراق گرفته شد، در تهران هم بی مانند بود. تاریخ را ورق بزنید، این موارد را مو به مو ببینید. رشد اسلام سیاسی، اما، با سرعتی شگفت‌انگیز. این رشد با حمایت‌های مالی و فکری جمهوری اسلامی، از یک سو و ترکیه از سوی دیگر، همراه بوده است و حکومت اقلیم کردستان هم "نه" نمی‌گوید. ساخت هزاران مسجد در کمتر از دو دهه و دادن تمام تریبونهای میدیای رسمی و غیر رسمی به اسلامگرایان و پرورش آخوندهایی همچون "ملاهللو" برای به عقب بردن جامعه، خروجی آن می‌شود جامعه‌ای اسلام زده که از هر گوشه به سوی ارتجاع کشیده می‌شود.

جمهوری اسلامی به عنوان یک سوی این معادله با انتخاب حلبچه برای برگزاری مراسم مربوط به قیام ۵۷، می‌خواهد به جامعه بگوید که حالا دست بالا را دارد. شهری که به خاطر گردان "شوان" و جانباختن کمونیست‌ها و آزادیخواهان صفوف حزب کمونیست ایران در دهه شصت زبانه زد است، حالا با این ترفند رژیم به محلی برای مراسم رژیم اسلامی و محجبه کردن هزاران دختر تبدیل شده است.

#### کردستان ایران

در دو دهه اخیر میدان برای اسلامی‌ها در کردستان ایران بیشتر از هر زمان دیگری است. در روزهای اخیر، جمهوری اسلامی با پخش مستندهایی که بخشی درباره کردستان و حوادث سالهای ۵۸ به بعد است، تصویری مردمی از اسلامی‌ها و بویژه "مکتب قرآن" می‌دهد. از روزهای اول بعد از قیام ۵۷ تا به امروز، اسلامگرایان نوع سنی در کردستان، میدانی برای طرح سیاستها و تبلیغ آن داشته‌اند. اگر این بخش، از ورود به خط قرمزهای جمهوری اسلامی امتناع کنند، تا دیدار با



اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست دوباره:

## نمایش محجبه کردن دختران در کردستان عراق!

فعالین آزادی زن در کردستان عراق در سه دهه گذشته با ارتجاع اسلامی همواره درگیر بوده و در مقاطعی توانسته اند دستاوردهایی بدست بیاورند. مراسم مشمنز کننده حلبچه تعرض ارتجاع اسلامی به دستاوردهای تاکنونی آنها و هم چنین نقطه عطفی است که مقابله با آن میتواند گامها جنبش رهایی زن را به پیش ببرد. باید در مقابل آن ایستاد. باید کاری کرد حجاب بردگی با دست خود زنان و دختران بیگناه به آتش کشیده شود. باید از تمامی نهادها و تشکلهای آزادیخواه دعوت کرد که علناً و به شیوه های مختلف این نمایش ارتجاعی را محکوم و بانیان و مسئولین آن را به جامعه معرفی کنند.

و خلاصه احزاب و سازمانهای سیاسی کردستان ایران و بخصوص آنهایی که قیافه چپ و دفاع از حقوق زن را هم به خود گرفته اند و امکانات مادی حکومت اقلیم کردستان برایشان حکم حق السکوت را پیدا کرده است، می خواهند سری بلند کنند و یکه تازی اسلام سیاسی را در چند کیلومتری مقرهایشان ببینند؟ یا به امید تحول و گشایشی غیبی دوباره روبرو میگردانند و خود را به کوچه علی چپ می زنند؟ تجربه تاکنونی به ما میگوید که دودی از شان بلند نمی شود و نزدیکیشان به حکومت اقلیم بیشتر است تا به دفاع از حقوق زنان.

کمیته کردستان حزب حکمتیست ضمن تقبیح مراسم چندی آور محجبه کردن دختران در شهر حلبچه از تلاش و مبارزه زنان و مردان آزادیخواه در مقابل این پدیده شوم پشتیبانی می کند.

کمیته کردستان حزب حکمتیست  
۱۳ فوریه ۲۰۲۱

در حالیکه در آنطرف مرز، در داخل شهر و شهرک جامعه بجوش آمده و جان به لب رسیده ایران، یکی از میدانهای مبارزه و خروش مردم علیه رژیم اسلامی، علیه سمبل بردگی زن یعنی حجاب اسلامی و سوزاندن آن است، محجبه کردن ۱۳۵۷ دختر زیر سن در شهر حلبچه در کردستان عراق تحت حاکمیت احزاب ناسیونالیست کرد، نشان از تحمیل عقبگردی کشنده بر مردم بی دفاع و بخصوص زنان بی حقوق در آنجا دارد. این ادامه طبیعی روندی است که نزدیک به سه دهه است در کردستان عراق حاکمان در قدرت آن، زنان را زیر چنگال ناموس پرستی و خرافه رها کرده اند و بر قصابی شدن آنها به حکم شریعت و قوانین اسلام چشم بسته اند. ادامه میدان دادن حکومت ناسیونالیست کرد به ارتجاع مذهبی است و یکبار دیگر نمونه ای است از خویشاوندی حاکمیت آنها با جریانات مذهبی.

در فاجعه سیاه پوش کردن زندگی ۱۳۵۷ دختر بیگناه شهر حلبچه که تأثیرات مخرب آن کمتر از بمباران شیمیایی این شهر نخواهد بود چه کسی مقصر است؟ ناسیونالیستهای متشکل، منفرد و مستقل همگی به صف شده اند و انگشت اتهام را بسوی جمهوری اسلامی، ترکیه، عربستان و غیره نشانه رفته اند. متفکرین شان بافت عقب افتاده منطقه و مذهبی بودن مردم آن را دلیل این بی آبرویی می دانند.

همه اینها در تلاشند حکومت عزیز خودی را از زیر ضرب واقعیت محفوظ نگهدارند. می گویند هرچی باشد حکومت کردی است و باید در هر تند پیچی هوای آن را داشت. انگار حاکمان اربیل و سلیمانیه تنها در حین انتخابات ها و یا شلیک به مردم معترض و گرسنه دولت مسئول آن مناطق هستند و بقیه امور را به مرتجعین اسلامی درون و بیرون مرزهای خود واگذار کرده اند. آیا همین یک مورد از رسوایی برای پایین کشیدن آنها از تخت حاکمیت کافی نیست؟ چه کسی هست نداند که این احزاب و جریانات اسلامی در کردستان عراق که این دختران بیگناه را به اسارت ارتجاع درآورده اند، با پول و بودجه دولتی و حسن نیت حاکمان اقلیم فربه شده و برای خود حکومت می رانند؟ این بده و بستان و پرده پوشی کردن فساد متقابل، دو دهه است رمز بقا ادامه حکومت ناسیونالیستی و جولان جریانات اسلامی در کردستان عراق است، که دود آن قبل از هرکس به چشم زنان تیره بخت آن منطقه رفته است.

اگر جمهوری اسلامی و اردوغان و حزب الله و عربستان و حکومت مذهبی عراق مسئول به بند کشیدن زنان و پایمال کردن حقوق آنها هستند، چرا نوبت به اقلیم کردستان که می رسد حکومت آن بی تقصیر و هیچکاره است؟ امروز دیگر بر همه کس روشن است که دخالت دولت های منطقه در کردستان عراق و صدور هر نوع فرهنگ و آداب و رسوم ارتجاعی از کانال حکومت اقلیم می گذرد. هدیه جشن و سرور هر ساله سالگرد حکومت اسلامی در سلیمانیه امسال در نوع شنیع تر آن با محجبه کردن دختران به شهر حلبچه رسیده است. باید جلو این افسار گسیختگی را گرفت.

رفیق آنر ماجدی عزیز،

با درود و آرزوی تندرستی

نامه کناره گیری تان از حزب کمونیست کارگری - حکمتیست را دریافت کردیم. از این تصمیم شما، که بدون تردید راجع به آن فکر کرده اید، بسیار متأسفیم با اینحال به تصمیم سیاسی تان احترام میگذاریم. حزب حکمتیست برای همراهی شما در سالهای طولانی ارزش قائل است و تلاشهای کمونیستی شما را ارج می نهد.

امیدواریم شما را مجدداً در سنگرهای مبارزه کمونیستی کارگری کنار خود ببینیم. برای شما رفیق گرامی آرزوی سلامتی و موفقیت در اهداف سوسیالیستی و کمونیستی داریم.

از جانب دفتر سیاسی حزب حکمتیست

سیاوش دانشور

۶ فوریه ۲۰۲۱

راه گسترش مبارزات برحق جاری برای گرفتن حقوقهای از دست رفته و علیه وضع موجود و حاکمان سرمایه و جمهوری اسلامی را نشان دادند. این مسیر مبارزاتی را با گامهای محکمتر، آگاهانه تر و سازمانیافته تر میتوانیم و باید طی کنیم.

دروود بر اجتماعات پرشور و سراسری بازنشستگان!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۶ بهمن ۱۳۹۹ - ۱۴ فوریه ۲۰۲۱

## اجتماعات سراسری و موفق بازنشستگان در

### تهران و شهرستانها برگزار شد!

امروز یکشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۹۹، اجتماعات سراسری و از قیل اعلام شده بازنشستگان در تهران و شهرهای مختلف ایران با موفقیت برگزار شد. به دنبال اجتماعات سراسری هفتم بهمن، اینبار هم تجمعات اعتراضی بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی "برای دست یابی به مطالبات و حقوق از دست رفته"، در سطح کشور برگزار شد. در تهران در مقابل مجلس اسلامی علاوه بر بازنشستگان همزمان فرهنگیان تجمع کردند. طبق اخبار رسیده در مقابل شعبه های اداره "تامین اجتماعی" در شهرهای شیراز، ایلام، نیشابور، خرم آباد، اراک، یزد، کرمانشاه، اردبیل، کرمان، تبریز، قزوین، سنندج، زنجان و مشهد اجتماعات پرشور و حق طلبانه برگزار شده است. شرکت کنندگان در این تجمعات، با سردادن شعارهای؛ "فریاد فریاد، از این همه بیداد"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "سفره همامان خالی، وعده وعید کافیه"، "ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالی"، "تا حق خود نگیریم، از پای نمی نشینیم"، "بازنشسته بیدار است، از تبعیض بیزار است"، "هزینه ها دلاریه، حقوق ما ریالیه"، و ... اعتراض شان را بیان کردند. بازنشستگان تحت فشار فقر و گرسنگی و بیماری، در سخنرانیها، قطعنامه ها و پلاکاردها و بنرهای این اجتماعات، به شرایط سخت و غیر قابل تحمل، با اراده ای قوی و صدائی رسا اعتراض کردند.

اجتماعات اعتراضی و سراسری امروز علیه فقر و گرانی، علیه پایین بودن حقوقهای چند بار زیر خط فقر مزدبگیران و مستمری بگیران، در واقع صدای اعتراض ده ها میلیون مزدبگیر و حقوق بگیر و بازنشسته علیه شرایط سخت معیشتی است که دولت جمهوری اسلامی به انسانهای کارکن در جامعه تحمیل کرده است. اعتراضات پرشور امروز بیست و ششم بهمن بار دیگر نشان داد، بازنشستگان و کارگران و معلمان و دیگر بخشهای زیر فشار سخت معیشتی و اقتصادی در ایران، بیش از این اجازه نخواهند داد حکومت سرمایه و زالوصفتان از محدودیتهای دوره کرونا برای تحمیل گرسنگی و مرگ تدریجی استفاده کنند و با خروش اعتراضی خود همانطور که شعار دادند؛ "تا گرفتن حقوقمان از پای نمی نشینیم"، واقعا از پای نمی نشینند. اجتماعات اعتراضی امروز با تکیه به تجربه تجمعات قبلیتر در هفتم بهمن با جمعیت بزرگتر، سازمانیافته تر و صدای رساتر، عزم و اراده محکمتری را برای گرفتن حقوق از دست رفته و تامین معیشت آتی زندگی محرومان جامعه به صحنه کشید. در تعدادی از این اجتماعات قطعنامه هایی علیه فقر و گرانی و تبعیض و نابرابری قرائت شد. اجتماعات هماهنگ و متحدانه امروز تجربه مهمی برای گسترش اعتراضات سراسری کارگری و توده ای در سراسر ایران است.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، به سازماندهندگان و شرکت کنندگان در اجتماعات پرشور و قدرتمند و موفقیت آمیز امروز بازنشستگان درود میفرستد. بازنشستگان و شرکت کنندگان در تجمعات اعتراضی و سراسری در هفتم بهمن و امروز در بیست و ششم بهمن،

اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

### در رابطه با محکومیت روزنامه نگاران و فعالین مدنی

#### منطقه بادینان در اقلیم کردستان

در جریان آخرین اعتراضات مردم در شهرهای کردستان عراق به فقر و نابسامانی اقتصادی در اوایل دسامبر سال گذشته، بغیر از به قتل رساندن تعدادی از معترضین، شمار زیادی نیز از جمله در منطقه بادینان دستگیر و بازداشت شدند.

روز سه شنبه ۱۶ فوریه پنج نفر از روزنامه نگاران و فعالین مدنی به نامهای کوهدار زبیری، شیروان شیروانی، شقان سعید، میوان عیسی و نیاز کرم از منطقه بادینان در یک دادگاه غیرعادلانه در شهر اربیل توسط "قاضی" زرار هرکی بدون هیچ مدارکی دال بر مجرم بودن آنان، هر کدام به ۶ سال زندان محکوم شدند. این احکام ناعادلانه بلافاصله مورد اعتراض و نفرت مردم، احزاب چپ و کمونیست، نهادها و فعالان و تعدادی از پارلمانتاران اقلیم قرار گرفت.

لازم است اشاره کنیم که قبل از محاکمه این فعالین، رئیس اقلیم کردستان در یک سخنرانی آنها را "سیخور" یعنی جاسوس قلمداد کرد، این اظهارات باعث شد تا دستگاه قضایی اقلیم کردستان، که زیر نفوذ احزاب حاکم است و از استقلال برخوردار نیست، چنین حکم ناعادلانه ای را صادر نماید.

این اولین بار نیست که در اقلیم کردستان، روزنامه نگاران و فعالین سیاسی و مدنی دستگیر و زندانی می شوند. در طول سالهای گذشته تاکنون چندین روزنامه نگار و فعال سیاسی از جمله کاوه گرمیانی، سردشت عثمان، سوران مامه حمه، به دلیل افشاگری علیه حاکمان، ترور شده اند.

کمیته کردستان حزب حکمتیست این حکم ناعادلانه روزنامه نگاران و فعالین مدنی و سیاسی را به شدت محکوم و خواهان آزادی فوری آنان می باشد. حق اعتراض و آزادی بیان، از حقوق اولیه همه شهروندان و دفاع از آن وظیفه همه مردم آزادیخواه و برابری طلب است. ما از همه مردم آزادیخواه کردستان، سازمانها و احزاب سیاسی می خواهیم که به دستگیری و زندانی فعالان مدنی اعتراض کنند و تا آزادی زندانیان به اعتراض خود ادامه دهند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۸ فوریه ۲۰۲۱

## اعلامیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

## فراخوان به اعتراض عمومی مردم در کردستان

کارگران، مردم آزادیخواه کردستان!

واکسن همگانی رایگان برای مردم قدرت مبارزاتی خود را به میدان بکشیم.

بر این اساس کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست مردم مبارز در کردستان را به اعتراض عمومی حول؛

- ۱- علیه دستگیرهای اخیر در کردستان و خواست آزادی فوری بازداشت شدگان و زندانیان سیاسی
- ۲- انزجار از "سریالهای مضحک" علیه مبارزه مردم کردستان و نیروهای سیاسی
- ۳- خواست فوری تامین معیشت و درمان و واکسن رایگان و همگانی، فرامیخواند.

جامعه و مردم کردستان در ۴۲ سال گذشته تجارب غنی از اشکال متنوع مبارزه موثر توده ای را اعم از اجتماعات اعتراضی، اعتصاب، تحصن و راهپیمایی و ... تجربه کرده و میتوانند با اتکا به این تجارب این بار نیز اعتراض عمومی و گسترده را در همه شهر و روستاهای کردستان سازمان دهند. ما از فعالین و پیشروان مبارزات کارگری و توده ای و اجتماعی میخواهیم، مثل همیشه ابتکار را به دست بگیرند، بنا به تشخیص خود اعتراض عمومی گسترده و موثر را در همین روزهایی که توقع حرکت مبارزاتی موثر مطرح است، سازمان دهند.

ما از کارگران و مردم آزادیخواه در سراسر ایران، از همه نیروهای سیاسی، چپ و کمونیست و آزادیخواه میخواهیم از اعتراض عمومی مردم در کردستان علیه جمهوری اسلامی حمایت کنند.

**زنده باد اعتراض عمومی مردم در کردستان**

**مرگ بر جمهوری اسلامی**

**زنده باد جمهوری سوسیالیستی**

**کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست**

۱۷ بهمن ۱۳۹۹ - ۵ فوریه ۲۰۲۱



COVID-19 Vaccine  
رایگان  
استانداردهای  
جهانی  
جرای همه

**واکسیناسیون رایگان**  
با استانداردهای بهداشت جهانی،  
حق فوری کلیه ساکنین ایران است!

هواری همکاری  
نیروهای چپ و کمونیست

موج بازداشت‌های وسیع دو هفته اخیر و دستگیری بیش از صد نفر از فرزندان شما به دست سرکوبگران جمهوری اسلامی و همزمان نمایش مضحک "سناریو های تلویزیونی" علیه نیروهای اپوزیسیون و بویژه بر ضد جنبش چپ و کمونیستی در کردستان و احزاب و شخصیت‌های آن با هدف انتقام از ۴۲ سال مبارزه انقلابی و حق طلبانه شما و مهمتر به منظور مقابله با روند رو به رشد خیزش اعتراضی و انقلابی مردم از جانب سردمداران جمهوری اسلامی طراحی شده است. این اقدامات در شرایطی است که گرسنگی، بیماری و بیکاری، عدم تامین معیشت و سلامت و نبودن واکسن کرونا گریبان اکثریت دهها میلیونی شهروندان جامعه را گرفته است، این اقدامات در شرایطی است که بی مسئولیتی و ناتوانی و ناکارایی رژیم فاسد جمهوری اسلامی در مقابله با فاجعه کرونا زباززد خاص و عام است.

در همان حال سردسته جنایتکاران اسلامی، خامنه ای جلا، تامین واکسن مورد تایید سازمان بهداشت جهانی را منع و خرید آن را به قیمت مرگ مردم به تاخیر انداخت. سران جمهوری اسلامی به خوبی میدانند، این شرایط موجب تلنبار شدن نفرت و بیزاری عمیق و گسترده اکثریت قاطع و عظیم جامعه علیه سرپای نظامشان است. آنها از به میدان آمدن غول بیدار شده مردم معترض برای برچیدن نظام اسلامی وحشت دارند. آنها گوشه های محدودی از جنبش سرنگونی طلبانه را در دیماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ تجربه کرده اند. چشم انداز همه گیر شدن جنبش انقلابی برای برچیدن جمهوری اسلامی خواب از چشم آنها روده است. مثل تمام عمر جنایتکارانه شان، به عیب بار دیگر سرکوبگریها، زندان و شکنجه و اعدامها را ضامن بقای نظامشان میدانند. اما سرشان به سنگ میخورد و دوره عوض شده و این طرفنها دیگر نه عامل بقا، بلکه اعتراض سازمانیافته و آگاهانه برای پایان دادن به عمرشان را موجب میشود.

در این بستر و در این شرایط آنها پتانسیل مبارزاتی بالای جامعه حزبیت یافته در کردستان را خطر جدی در مسیر برچیده شدن نظامشان میدانند. بازداشت و دستگیریهای وسیع و "سناریو سازیهای تلویزیونی مضحک اخیر" عکس العملی از سر ضعف و زبونی در مقابل روند رو به گسترش اعتراضات موثر در شهرهای کردستان است.

**مردم آزادیخواه کردستان!**

میتوانیم و باید با نیروی اعتراض و مبارزه آگاهانه و سازمانیافته سرکوبگری و موج دستگیریهای وسیع را در شهرهای کردستان سد کنیم. میتوانیم با اقدام و صدای اعتراضی محکم "سناریو سازی پوچ و بی مایه" جمهوری اسلامی علیه چهارده مبارزه انقلابی در کردستان را رسوا کنیم. میتوانیم و لازمست علیه شرایط سخت زندگی، علیه گرسنگی و بیماری و بیکاری و عدم تامین معیشت و سلامت و نبودن

**زنده باد سوسیالیسم!**

## اطلاعیه پایانی جلسه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

روزهای شنبه و یکشنبه ۶ و ۷ فوریه ۲۰۲۱ برابر با ۱۸ و ۱۹ بهمن ۱۳۹۹، جلسه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست با حضور اکثریت اعضای دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب برگزار شد. دستور جلسه مصوب دفتر سیاسی عبارت بود از:

۱- گزارش سیاسی و تشکیلاتی ۲- تحولات جهانی و پیامدهای آن ۳- وضعیت سیاسی ایران مسئله سرنگونی و استنتاجات آن برای ما ۴- اوضاع اپوزیسیون از راست و چپ و خط مشی حزب ۵- دنیا پس از پاندمی کرونا ۶- پلنوم حزب و طرح و مباحث هیئت اجرائی و دس برای آن ۷- قرارها و قطعنامه ها ۸- انتخابات.

در بحث گزارش سیاوش دانشور اساسا به بررسی فوکوسها و اقدامات حزب طی دو ماه گذشته راجع به مسائل مطرح در سیاست ایران و جهان و بطور ویژه تحولات در جنبش کارگری، سیاست حزب در قبال موج دستگیری ها در کردستان، سناریوی امنیتی جمهوری اسلامی راجع به رویدادهای دوره انقلاب و واکنش و اقدامات حزب، تحولات درون چپ، برنامه های آموزشی، امور تشکیلاتی، و حضور اعضای رهبری حزب در رسانه ها اشاره کرد. در ادامه رحمان حسین زاده، صالح سرداری، پروین کابلی دبیران کمیته های داخل، کردستان، خارج و سیوان کریمی مسئول تی وی حزب گزارش مشخص تر و تکمیلی به جلسه ارائه دادند. ارزیابی رفقای دفتر سیاسی از اقدامات و فعالیتهای ایندوره حزب اساسا مثبت بود در عین حال بر کمبودها و ضعف هائی در موارد مشخص تاکید شد.

مباحث "تحولات جهانی و پیامدهای آن توسط رحمان حسین زاده و حسین مرادی (حمه سور)، وضعیت سیاسی ایران مسئله سرنگونی و استنتاجات آن برای ما توسط عبه دارابی، اوضاع اپوزیسیون از راست و چپ و خط مشی حزب توسط سیاوش دانشور، و دنیا پس از پاندمی کرونا توسط جمال کمانگر به جلسه ارائه و معرفی شدند. این مباحث برای همفکری و هم نظری دفتر سیاسی و تهیه اسنادی براین اساس برای پلنوم ۴۲ حزب بود که بزودی برگزار میشود. در دستور پلنوم ۴۲ حزب، رئوس مباحث پیشنهادی دفتر سیاسی برای پلنوم تصویب شدند.

دستور پایانی جلسه دفتر سیاسی انتخابات بود. سیاوش دانشور به اتفاق آرا به عنوان رئیس دفتر سیاسی حزب انتخاب شد. در انتخابات اعضای هیئت اجرائی، دفتر سیاسی رفقا رحمان حسین زاده، عبدالله دارابی، پروین کابلی، ناصر مرادی و سعید یگانه را بعنوان اعضای هیئت اجرائی دفتر سیاسی انتخاب کرد.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۶ بهمن ۱۳۹۹ - ۱۴ فوریه ۲۰۲۱

## دولت موظف به تامین نیازهای معیشتی، درمائی و بهداشتی شهروندان

### در شرایط گسترش پاندمی کرونا است!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

[Siavash\\_d@yahoo.com](mailto:Siavash_d@yahoo.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی  
کمونیست

### به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400 BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB